

آریائی

www.ariaye.com

what ariaye site is about

NEWS

REVIEWS

EVENTS

FEATURES



آیاء عبدالله امور اجرایی رامانند دوران وزارت خارجه مدیریت مینماید؟

دیربست که آتش زتنم می ریزد
صدهنجره خون از قلمم می ریزد
باکوله غمی که بر دوشم است
برکوه اگر تکیه زنم می ریزد.

بخش سوم (تحقیق و پژوهش استاد صباح)

«عبدالله! عملکرد ناسالم و نامعقول دروزارت خارجه دارد که حتاکرزی باتمام مصلحت گرایی و روزگذرانی و بی کفایتی ناگذیرشد که ویرا ازین وزارت سبکدوش نماید و تا اکنون وزارت خارجه درگیر اشخاص عقده مند و بی سوادوبی کفایتی است که وسیله وی به این اداره مقررگردیده بود.»
وامروز اشرف غنی میخواید باچنین یک کسی اداره خوب و کاری رادرکشور بسازد، ماهمه شاهد خواهیم بود و می بینیم که چه واقع میشود.

اول- این ائتلاف کاملاً نامتجانس و ناقص است (میگویند- دوسلطان دریک ملک ننگند).

دوم - غنی و عبدالله باهم برسر تعین و تقرری افرادی ناسالم به مشکل توافق خواهند کرد.

سوم - غنی مخالف رشوت و چپاولگری است و عبدالله وگرویش به این پدیده شوم عادت دارند.

چیزکه برتری غنی رانسبت به عبدالله متباز مینمایاند، تحصیلات ، تجارب و عملکرد های وی است

و طی سیزده سال گذشته اشرف غنی هیچ پاینت منفی درمورد اختلاس و چپاولگری ندارد و عبدالله

برعکس ، اگر عبدالله در پنهانی به اختلاس مبادرت نمایند و امابه گروپ و تنظیمی که تعلق و وابستگی

دارد چگونه میتواند جلوانان رابگیرد؟



ما نمودیم جمع، اینها برده اند
مال ملت را به یغما برده اند.

فساد بی حد و حصر در ادارات دولت، که در واقع به یکی از عمده ترین عوامل ناکامی در طول سالهای گذشته مبدل شده است تنها محدود به وزارتخانه ها و ارگان های بیرون از قصر ریاست جمهوری نمانده است. تاسفارتخانه هاونماینده گی های سیاسی ریشه دوانده است. کارمندان سفارتخانه ها متشکل است از یسرخلیلی، یسرالکو، خواهرزاده کرزی، خویش وقوم دبل عبدالله، ملا مارشال فهیم، سید منصورنادری، صبغت الله مجددی، قانونی، یونس قانونی، وزیران کابینه ...

در سفارتخانه هاونماینده گی های سیاسی کشور تمامی افراد به شمول دریورها بازدویندهای سیاسی، مصلحتی، تنظیمی و روابط های شخصی تعیین میشوند وهمچنان به زبان ساده چیاولگری ها وحق تلفی به پیمانہ وسیعی جریان دارد. متاسفانه وزارت خارجه به اساس زدویندهای گرویی وتنظیمی به عنوان سفیرو دیپلومات به خارج اعزام میکند که توانمندی واستعداد وتحصیل حقوقی و دیپلوماتیک ندارندویا سند جعلی تحصیلی دارند.

با کشورم چه رفته است
که گلها هنوز سوگوارند...
از قلب خاکهای فراموش سرکشد
تا از قنات حنجرهها
فوج خشم و خون
روی غروب سوخته مرگ پرکشد:
این نعره من است
این نعره من است که روی کاغذ می پیچد
و خاکهای سکوت زمانه تاریک را می آشوبد
و با هزارمشت گران
بر قلب دشمن می کوبد
این نعره من است که می روید
خاکستر زمان را از خشم روزگار...

عبدالله طی مدت وزارتش با تخریب و ویران کردن زیرساخت های اداری و اصول کاری وزارت و جابجایی بدون حساب و کتاب دوستان و هم حزبی هایش در پست های گوناگون، از یک سواين وزارتخانه را به ناکارآمدی مطلق کشانید و از سوی دیگر این ناکارآمدی باعث شد سیاست خارجی افغانستان فاقد اعتبار و هویت و حتی از اصول و زیرساخت های اولیه اش در عرصه بین المللی تهی شود. در حالیکه درب وزارت خارجه بر روی افراد برخی از اقوام کاملاً بسته ماند، از یک قوم و یک دره معین، تحصیل کرده، کم سواد، بی سواد، مورتوان و حتی در باناش پکول رابه دورانداخته و نکتایی به گردن آویخته و به عنوان دیپلمات و نمایندگان سیاسی و دستگاه دیپلماسی افغانستان رهسپار کشورهای خارج شدند. آمار رسمی که بر مبنای تناسب قومیت و ولایات و جنسیت منتشر شده است می تواند به خوبی نارسایی های ذکر شده را بازتاب دهد، آمار تعداد کارمندان وزارت خارجه بر مبنای قومیت:

تاجیک: دوصد و نود و یک نفر
پشتون: صد و نود و دو نفر
سادات (عرب): هفتاد سه نفر
هزاره: سی یک نفر
ازبک: نوزده نفر
ترکمن: پنج نفر
قرلباش: چهار نفر
پشه بی: دو نفر
ایماق: دو نفر
نورستانی: دو نفر
مجددی: دو نفر

بلوچ یک نفر
آمار تعداد کارمندان وزارت خارجه بر اساس ولایات:
کابل صد هفتاد و دو نفر،
ولسوالی پنجشیر شصت و شش نفر، بعد ازین پنجشیر به ولایت ارتقا داده شد،
پروان چهل،
بدخشان بیست و نو،
ننگرهار بیست و هفت،
لغمان بیست و چهار،
لوگر بیست و یک،
کندهار بیست و سه،
کاپیسا بیست و دو،
کندهار بیست و یک،
بلخ بیست و دو،
هرات نوزده،
فاریاب هفده،
تخارستان هفده،
غزنی هفده،
وردک پانزده،
بغلان چهارده،
پکتیا یازده،
بامیان هشت،
جوزجان هشت،
غور هشت،
نورستان پنج،
فراه چهار،
سمنگان سه،
ارزگان سه،
میدان دو،
خوست یک،
نیمروز یک،
کنرک یک نفر،

همچنین بر اساس این آمار از برخی قومیت ها هیچ فردی در هیأت رهبری یعنی در بیست های یک و دو وجود ندارد. این عدم توازن تنها رنگ قومی نداشت. بر مبنای همان زیر ساخت های فکری بنیادگرایانه و زن ستیزانه جمعیت، تبعیض جنسیتی نیز در انتخاب کادر اداری و زات خارجه اعمال گردید و در میان نزدیک به شش صد و پنجاه تن کارمند، تنها حدود سی زن کارمند در پست های بسیار پایین مانند منشی گری و خدمات دفتری مشغول به کار است و در نمایندگی سیاسی در کشورهای دیگر، تنها یک زن (زاهده انصاری) به عنوان سفیر در بلغاریا ایفای وظیفه می کند. بر اساس نتایج کمیسیون بررسی دوسیه های کارمندان وزارت خارجه مشخص شده است که تنها یک سوم کارمندان و زات خارجه تحصیلات عالی دارند و حدود نیمی از کارمندان وضعیت تحصیلی شان مبهم و در حد صنف ابتدایی تا صنف دوازدهم می باشد. همچنین حدود یک پنجم کارمندان وزارت خارجه با اسناد تحصیلی جعلی و فاقد اعتبار در این وزارتخانه مشغول به کار هستند!

در اکثر کشورهای خارجی سفارتخانه های افغانستان به دلیل ترکیب قومی خاص و آشفتگی و نبود نظم و انضباط اداری به دفاتر احزاب جهادی بیشتر شباهت دارند تا نمایندگی سیاسی. کارمندان و حتی سفرای افغانستان به دلیل نداشتن تحصیلات کافی و یا نداشتن تحصیلات درخور کار در وزارت خارجه، از عرف و مقررات دیپلماسی و حقوق بین الملل هیچ نمی دانند. این امر بیش از همه چیز منزلت و احترام افغانستان را نزد کشورهای میزبان به پایین ترین سطح تنزل داده است. مطابق یک قانون نانوشته اما پذیرفته شده بین المللی در همه کشورهای انتخاب سفرا و کارداران سفارتخانه ها و کنسولگری ها بر مبنای تصمیم و هماهنگی مشترک وزارت خارجه و وزارت امنیت صورت می گیرد و بر این اساس سفارتخانه ها نه تنها نماینده سیاسی یک کشور محسوب می شوند، بلکه حافظ منافع امنیتی کشور نیز هستند. عدم اعمال کنترل امنیتی بر کارداران نمایندگی های سیاسی باعث شده است انواع فساد در

این سفارتخانه گسترش یابد و کارمندان، سفارتخانه ها را به تجارتخانه های غیرقانونی تبدیل نمایند. خرید و فروش غیرقانونی پاسپورت، جعل و فروش اسناد تحصیلی، خرید و فروش بورس تحصیلی، رشوه ستانی از مراجعین در قبال انجام کارهای شان فسادهای رایج در سفارتخانه های افغانستان است.

سفارت افغانستان در تهران و کنسولگری افغانستان در مشهد می تواند یک نمونه عینی از این سفارتخانه ها باشد. به نظر می رسد هیچیک از کارمندان بخش های مختلف این دو نمایندگی که به دلیل وجود تعداد زیاد مهاجر افغان در ایران همواره با تعداد زیادی مراجعه کننده نیز روبرو هست، از ادب و رفتار دیپلماتیک چیزی نمی دانند. آنان هرگز به این تصور نیستند که از سوی وزات خارجه برای راه اندازی کارهای قانونی و حل مشکلات مراجعه کنندگان در آنجا نشسته اند.

عبدالله که مهره کلیدی دولت مصلحت گرای کرزی بود (وزیر خارجه) و اکنون اکت اپوزیسیونی مینماید و به خود چهره منتقد رژیم را گرفته از طرح مصالحه دولت با طالبان می خواهد سود سیاسی ببرد.

در حالیکه که رهبری اداره نام نهاد صلح را ربانی و اکنون بالای این میراث پسرش صلاح الدین ربانی نیشخوار میزند. عبدالله با پررویی دیده درایی هر زمانی که از سفر غرب باز میگردد از صلح، دموکراسی و مردم سالاری سخن میگوید، اما مردم ما فراموش نمیکنند که جنایات، چپاولگری ها، تجاوز بر ناموس مردم و دوزخ ساختن کشور بوسیله گروپ جهادی شورایی نظار که عبدالله یکی از مهره ها بود. همین خیانت و جنایتی تنظیم جمعیت بود که پاکستان زمینه را مساعد دیده طالبان را بر مردم ما تحمیل کردند. حتی رهبران عبدالله در ابتدا از طالبان حمایت کردند، ربانی آنان را فرشته های صلح نامید و احمد شاه مسعود با آنان به مذاکره نشست و گفت اهداف ما و شما کاملاً یکیست. (در میدان شهر) مردم ماهیچ زمانی از اداره فاسد و چپاولگر کنونی که امتحان داده اند به خوشبختی نخواهند رسید. این اداره زمانی میتوانست موفقانه عمل نماید و اعتماد مردم را جلب کند که انسانهای چپاولگر و خود فروخته مورد بازخواست و پیگرد قانونی قرار میگیرفت و از جانب دیگر مسوولیت ادارات دولتی بدست افراد صادق و خدمتگوار وطن و مردم میبود.

کسانی که با عبدالله رابطه نزدیک دارند، او را آدم بی سواد، بی کفایت، هرزه، زن باره، و بی تعهد می دانند. مهم تر از همه او را دارای رفتار دو خصلتی می شناسند که ترکیب از رفتار زنانه و مردانه میباشد. علاقه شدید او به عطریات، استفاده از لوازم آرایش زنانه، افراط در خرید لبهاسهای گرانبها، آداهای زنانه و خیلی چیزهای دیگر از جمله پدیده های اندک در اخلاق و رفتار عبدالله مشاهده میگردد و این پدیده ها در جامعه افغانستان رفتار و اخلاق زنانه تعریف میشوند.

بعضی ها دلیل زن باره بودن عبدالله را مشکلات دوران فامیلی او میدانند که در هر صورت، این گونه اخلاق و رفتار برای یک مدیر سیاسی عیب بسیار برجسته و ضعف آشکار تلقی میگردد. بر علاوه اینها، عبدالله فاقد تقید و تعهد به ارزشها و نورمهای مروج در مناسبات دوستی میباشد که در این راستا به هیچ معیاری تعهد و تقید ندارد...

همچنان عبدالله در برنامه تلویزیون پنجره در امریکا نقطه نظرهای خود را در مورد جنایتکاران جنگی، مردم، محاکم قضایی و عمداتاً در باره ای تاریخ سه ده ای اخیر بیان نموده است. وی به جواب گرداننده این تلویزیون گفت- مسله ای جنایتکار جنگی یک اصطلاح است. و انتباه هرکس از آن فرق میکند. که رومی توان مجرم جنگی خطاب کرد؟.

در افغانستان محاکم قانونی برای محاکمه ای جنایتکاران وجود ندارد. و... و...

عبدالله خیلی ماهرانه از حاکمیت ح د خ - شروع نموده و از حضور ارتش سرخ یاد آوری کرد. درین جا از جنگ و مقاومت علیه اشغال با آب تاب فراوان یاد آوری نمود اما از شکست دولت نجیب تا آمدن طالبان را ماهرانه در دو کلمه خلاصه نموده و یکبار طالبان و القاعده و مبارزه ی جهانی علیه این گروه را به بحث گرفت.

امای در تلویزیون طلوع که در برابر سوالی گرداننده این شبکه که چرا جنایتکاران جنگی و ناقضین حقوق بشرو چپاولگرانی دارایی عامه به محاکمه کشیده نمیشود و ژورنالیست میپرسد، با آمدن نظام جدید و پشتیبانی ممالک غرب و آمریکا در افغانستان چرا زمینه ای محاکمه ای جنایتکاران و ناقضین حقوق بشر مهیا نشد. بر علاوه تعداد زیادی از همین جنایتکاران در پست های حساس حکومتی و دولتی جای گرفتند. آیا آنان مستحق چنین ریواری بودند و یا هستند. عبدالله با این سوال سخت گیر افتاد. در مملکتی که دارای قانون اساسی، ریس جمهور منتخب و همچنان پارلمان و با پشتیبانی هزاران سرباز امریکایی است. محاکم قانونی وجود نداشته باشد تا به دوسیه های سیاه چند قلد، قاچاقبر مواد مخدر و جنایتکار رسیده گی شود. اما عبدالله گاهی نمی خواهد راجع به جنایاتی که دار و دسته شورایی نظار در کابل بصورت خاص مرتکب شده اند حرفی بمیان آرد. او ماهرانه مدت دو سال جنگ و ویرانی رابا یک کلمه خلاصه کرده و آمدن طالبان و القاعده را یاد میکند. دبل عبدالله همانطوریکه در امریکادر برابر سوالی خانی که میپرسد شما میلیونها دلار از خارجیها گرفتید و وی ناگذریه اعتراف میگردد.

دوران حاکمیت دبل عبدالله در وزارت خارجه شاید یکی از بدترین دوران باشد که وزارت خارجه افغانستان به خود دیده و مایوسانه و سوگمندانه کشیده است. ضعیف، روزگزار و ناآگاه ترین اشخاص در پستهای سیاسی و در کرسی های وزارت خارجه مقرر گردید و تاکنون نیز درین کرسی هانمانند لتهای سلطان محمود لمیده اند.

سوگمندانه ده ها دیپلمات سفیر و جنرال قونسل در خارج از کشور راسراغ داریم که اضافه از ده سال میشود از حقوق و امتیازات عالی برخوردارند و اشخاصی هستند که در طی بیست سال کار و ماموریت خود در وزارت خارجه به خارج

نرفته اند. مشت نمونه خروار اشخاص و افرادی که در دستهاوکرسی های دیپلوماتیکی و سیاسی کشور در عیش و عشرت زنده گی دارند اینان اند و در گزارش بعدی باتفصیل خواهم نوشت .

قهار عابد مسوول دفتر، جنرال قنسل در کراچی و مسوول عمومی گارد حفاظتی عبدالله و فعلا ریس بخش فرهنگی وزارت امور خارجه، کیان احدي که همشیره اش خانم عبدالله است و مسوول قنسلي سفارت افغانستان در کانادا و صمد عمر که ده سال در سفارت نیشخوار میزد و اکنون نیز سفیر در اروپا است .

ثاقب سکر تراول قنسلي در کراچی و مستشار در دهلي نو...، مسعود خلیلي به حمایت عبدالله عبدالله که نزدیک به دودهه میشود از خوان سفارت خود و خانواده اش را تغذیه ي مینماید، مسلم سرخه اتشه نظامي در لندن ، حاجی راشد الدین خسر برده احمد شاه مسعود - جنرال قونسل در دبی که در دوران وزارت دبل عبدالله و اکنون نیز به يك امپراطور تبدیل شده و وي هیچگونه تحصیلي نیز ندارد و نزدیک به ده سال میشود بصفت شار دافیر در ابوظبی و بعدا جنرال قونسل در دبی حکمروایی دارد. سید شهاب الدین مهره کشور ازبکستان سرپرست سفارت افغانستان در تاشکند و داماد سید منصور نادری نزدیک به پنج سال ، نصیر احمد نوربیش از ده سال در نماینده گی سیاسی افغانستان در کویت و قطر کار نمود و فعلا بصفت سفیر در امارات عربی تقرر یافته و همانطور فضل الرحمن فاضل رئیس قونسل که ده سال در سفارت افغانستان در هند و جنرال قونسل در بن مشغول بود اکنون نیز در تلاشی تقرر بصفت سفیر است ، ابراهیمی در دبی و خاتمش در ابوظبی و همچنان از بی بندوباری و چپاولگری در سفارت افغانستان در برلین و واشنگتن همه اطلاع دارند. من لازم ندیدم تا همه کسانی را که عبدالله به وزارت خارجه سرش دوقلوزده است نام ببرم و ممکن است مورد قهر و غضب عبدالله و گروپ دسیسه بازش قرار بگیرم.

بصیر سالنگی



سلاح بدستان با تفنگ، زندگی افسانوی برای خود ساخته اند. آیا ممکن است با زاری و التماس زندگی شانرا گرفت؟ گروپ های مسوول خلع سلاح در مناطق زیر نفوذ اینان باید به مشوره و حتی هدایت شان کردن بگذارند. اینان که خود کوزه گرو کوزه خرو کوزه فروش اند، چطور ممکن است با چنین سیاستی بهشت خود را بدستان خود بیازند؟

منطقه تاریخی شیرپور در مرکز شهر کابل ویران شد، خانه های آن با بولدوزر هموار شد و میان اعضای کابینه و افراد بانفوذ از جمله فرماندهان جهادی تقسیم شد. در این منطقه، نزدیک به ۳۵۰ خانه آباد شده که از نظر مخارج و نوع معماری، در شهر کابل کم نظیر است، ولی آنگونه که دیده می شود شماری زیادی از این خانه ها برای موسسات غیر دولتی و شرکت ها به کرایه ماهانه تا ده هزار دالر داده شده است.

بصیر سالنگی از قوماندان شورای نظر به رهبری احمد شاه مسعود، از چهره های خشنی است که در زمان انتصابش به صفت قوماندان امنیه کابل، به مشوره جهادی های مشهور در رأس فهیم و خانواده اش سرآزپا نشناخته و به رسم غارتگرانی باوحشت تمام به تاریخ ۱۳ سنبله ۱۳۸۲ به شیرپور یورش برده و کاشانه مردم مظلومی را که در جنگ های تنظیمی به آنجا متواری و مسکن گزین شده بودند، ویران و زنان کودکان شان را با بیرحمی بیرون راندند. آنان با بلدوزر تمامی بناهای تاریخی را نابود نموده ساحه را برای چورکان آماده کردند تا به خانواده ها خود قصرخانه های مافیایی را به میراث گذارند . تنظیمی ها در کنار دیگر غارتگری هایشان، شیرپور آن مهد تاریخی و یادگار شیر بچه های شهید کابل و غازیان جنگ ضد انگلیسی را نابود ساختند چون ارزشی به تاریخ و فرهنگ ما قایل نیستند و فقط به جیب ها و شکم خود فکر می کنند. بی جهت نیست که عامه مردم نام "چورپور" یا "موش پور" را روی قصر ها و بناهایی که بروی اجساد شهدای جنگ استقلال طلبانه ی مردم کابل اعمار شد، گذاشتند. لست توزیع نمرات شهرک شیرپور در

روزنامه ها و مطبوعات تصویری وسیعا منتشر شد. کسانیکه درویرانی قلعه نقش بارز داشتند، فهیم، وابستگانش و سایر اراکین دولتی از جمله بصیر سالنگی قومندان امنیه وقت کابل را می‌توان برشمرد .

سه صدوپنجاه نمره زمین چهار بسوه بی که مساحت مجموعی آن به ۱۲۰۰۰۰ متر مربع) ۶۰ جریب (می‌رسید برای اراکین بلند رتبه دولتی شامل وزرا، قوماندانان، جنرال‌ها، معاونان وزرا، والیان، روسای دوایرامنیت، تجار وابسته به فهیم، قانونی و بسم‌اله لوی‌درستیزقبلی وزیردفاع فعلی ویونس قانونی و همچنان خانواده‌های فهیم، قانونی، عطا، جنرال داوود و دیگران توزیع گردید و اکثریت خانه‌های مهاجرین زیر نقشه آمد. به تاریخ ۱۳ سنبله ۱۳۸۲ قوماندانی امنیه کابل تحت قوما ندهی عبدالصیر سالنگی که در آن ساحه زمین گرفته بود، به منطقه هجوم برده و به تعداد ۳۰ منزل را توسط بلدوزر به زور ویران کردند. آنان برای مردم فرصت جمعآوری اموال شان را هم ندادند و چندین کودک درین جریان زخمی شد.

البته زمین دزدی بصیرسالنگی و دیگر دزدان جنگسالار داستان طولانی و دردناک دارد. به تاریخ ۲۸ سرطان ۱۳۹۰ به یک نمونه دیگر آن اشاره‌ای دارد : مسولین ریاست ناحیه چهارم شهر کابل می‌گویند که بصیر سالنگی والی ولایت پروان، در مربوطات این ناحیه با استفاده از قدرت دولتی و رنجرهای پولیس، یک ساحه‌ی سبز را که در نزدیکی بادام باغ قرارداد، غصب کرده است. این ساحه در سرکی که از جانب کارته‌پروان به بادام‌باغ می‌رود، جوار تانک تیل نزدیک خانه‌های رهائشی قرارداد که به گفته مسولین این ریاست با وجود تقاضاهای مکرر آنان از سالنگی به‌خاطر توقف کار احاطه این ساحه، افراد اوشبانه به این ساحه می‌آیند و اطراف آن را احاطه می‌کنند.

مسولین ریاست ناحیه چهارم شهر کابل می‌گویند که بصیر سالنگی والی ولایت پروان، در مربوطات این ناحیه با استفاده از قدرت دولتی و رنجرهای پولیس، یک ساحه‌ی سبز را که در نزدیکی بادام باغ قرارداد، غصب کرده است. این ساحه در سرکی که از جانب کارته‌پروان به بادام‌باغ می‌رود، جوار تانک تیل نزدیک خانه‌های رهائشی قرار دارد که به گفته مسولین این ریاست با وجود تقاضاهای مکرر آنان از سالنگی به‌خاطر توقف کار احاطه این ساحه، افراد اوشبانه به این ساحه می‌آیند و اطراف آن را احاطه می‌کنند. رییس ناحیه چهارم شهر کابل می‌گوید: ساحه‌ای را که بصیر سالنگی در کنار خانه‌ی خودش در نزدیک بادام‌باغ احاطه کرده است، ساحه‌ی سبز می‌باشد. من به سالنگی زنگ زدم و گفتم که والی صاحب افرادش را بیرون کند و ساختمان را توقف بدهد، همان روز والی صاحب افرادش را کشید، ولی باز هم افراد او دیوار احاطه را رنگ کردند.

مساله غصب زمین‌ها دولتی همزمان با اداره‌ی موقت و با غصب زمین‌های شیرپور توسط اراکین بلندرتبه‌ی دولتی آغاز شد و تاکنون نیز در شماری از ولایات و حتا در شهر کابل جریان دارد که غصب ساحه‌ی سبز نزدیک بادام‌باغ توسط بصیر سالنگی، یکی از این نمونه‌هاست. عمر محمدی یک تن از باشندگان ساحه می‌گوید بصیر سالنگی همان‌گونه که بنیان‌گذار غصب زمین‌های شیرپور بود و تاهنوز پول دومره زمینی که در این ساحه دارد را نداده است، باز هم به غصب زمین‌های دولتی پرداخته و این بار ساحه‌سبز دولتی نزدیک خانه‌اش را غصب کرده است. بارها باشندگان محل از سالنگی تقاضا کرده‌اند که از دیوارکشی این ساحه که زمین دولتی است دست بردارد، اما سالنگی صراحتا گفت که هر کسی که می‌گوید باید از این کار دست بکشم، بیاید و امنیت مرا تامین کند.

همچنان چندی قبل محمد نصرت اقبال که به حیثت یک خبرنگار در آنس خیری خصوصی کار می‌کند از سوی والی پروان مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. این خبرنگار می‌گوید: هنگامی که می‌خواست یک دوست خود را در یکی از رستوران‌های شهرنو کابل ملاقات کند، با بصیر سالنگی والی پروان روبرو گردید و والی، چند کلمه زشت و جدي به وی گفت و وقتی که می‌خواست جواب اظهارات اش را بدهد، با بوتل و شیشه و مشت بر وی حواله کرد. گفتنی است که ماه گذشته حسین نظری، خبرنگار شبکه خصوصی تلویزیونی ۳، در ساحه چمن حضوری کابل نیز مورد لت و کوب شدید افراد ناشناس قرار گرفت و در این حادثه، دوربین فیلم برداری گزارشگر تلویزیون نگاه هم، از سوی مهاجمین برده شد.

سید طیب جواد



روزنامه «دیلی بیست» به تاریخ ۱۸ دسامبر ۲۰۱۳ اسنادی را فاش نمود که سید جواد طیب پرده برمی‌دارد. بر اساس این اسناد اداره توسعه بین‌المللی امریکا (USAID) سالانه بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۰ دالر جیره به سید طیب جواد می‌پرداخت که این رقم شامل کرایه خانه و مصارف غذایی او نمی‌شود. جواد از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۳ رئیس دفتر کرزی بود و بعداً سفیر افغانستان در آن کشور شد. سید طیب جواد همزمان ازدو پیمانکار امریکا RANCO و «انترنیوز» دالدریافت می‌کرد. به گفته مسئولان اداره توسعه بین‌المللی امریکا این پول بخاطر جلب تحصیلکرده های غرب دردولت کرزی به حیث تکنوکرات‌ها برای بازسازی افغانستان پرداخت می‌شد.

براساس گزارش، قراردادی که بین جواد و RANCO به امضا رسیده نشان می‌دهد سید جواد با معاش روزانه ۳۱۴,۱۲ دالر برای شش ماه بحیث مشاور با این پیمانکار امریکا ایفای وظیفه کرده است. اسناد نشان می‌دهند که RANCO به اردو وزارت خارجه امریکا کارهای گسترده‌ای انجام داده است. دراین قرارداد که به تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۰۲ امضا شده روزانه ۶۰ دالر بخاطر بودوباش درکابل و ۴۰ دالرمصارف غذایی جواد نیز در نظر گرفته شده بود. اوامضای خود را درروی قرارداد تصدیق می‌کند اما ازجریات قرارداد اظهار بی‌خبری می‌کند. طیب جواد خود می‌گوید: من درمورد این که این‌ها پیمان‌کاران خصوصی یا دولتی بودند، چیزی نمی‌دانستم. برای من این معاشی بود که از سوی ایالات متحده‌ی امریکا پرداخت می‌شد. شاید کمترین معاش به من پرداخت می‌شد. افراد زیادی بودند که پول نقد دریافت می‌کردند.

اندریو ناتسیوس که درآن زمان رییس یو.ایس.اید بود می‌گوید: در روزهای نخستین جنگ افغانستان، USAID برنامه‌ی را روی دست گرفته بود که مطابق آن باید صدها تحصیل کرده‌ی افغان که درخارج زندگی می‌کردند، به تکنوکرات‌های دولت کرزی تبدیل شده و ظرفیت حکومت را تشکیل دهند. پرداخت معاش رقابتی با معاش این تکنوکرات‌ها درغرب بخشی ازاین برنامه بود. این تکنوکرات‌ها توسط پیمان‌کاران USAID استخدام شده و دروزارت‌خانه‌های افغانستان به کار گماشته شده بودند. عقد این‌گونه قراردادها راهی بود که ما می‌توانستیم با طی کردن آن زودتر برنامه‌های‌مان را اجرا کنیم. ما این برنامه را خاموشانه اجرا کردیم، چون این کار بین تکنوکرات‌ها و ملیشه‌های افغان (جنگ سالاران) متحد با ما تنش ایجاد می‌کرد. لاری سمپلر، معاون مدیریو.ایس.اید برای افغانستان وپاکستان می‌گوید: درمراحل اولیه‌ی بازسازی افغانستان این‌گونه معاملات ضروری بود... ما درصورتی که ضرورت باشد، با بازیگرانی که درحکومت جدید نقش مؤثری داشته باشند نیز این کار را خواهیم کرد.

دیلی بیست می‌افزاید که دیوید هوفمن رئیس «انترنیوز» به جواد طی یک ایمیلی که بعدها به دسترس این نشریه رسیده نوشته: من خیلی خوشحالم ازاین‌که درزمینه‌ی استخدام شما وکمک به رییس جمهورکرزی مساعدت کردم. ما درحالت عادی چنین چیزی را درنظر نمی‌گیریم، چون این کار با استقلالیت ژورنالیستی ما درتضاد قرار دارد. اما ما اوضاع در افغانستان را استثنایی تشخیص داده و با این کار موافقت کردیم. سید جواد طی شش ماه فعالیتش با این نهاد به صفت مشاور ۴۹۰۰۰ دالر دریافت کرد.

کریستین فیرمعاون استاد درپوهنتون جورج تاون امریکا می‌گوید: ما ازروزاول سیستمی را ایجاد کردیم که فاسد بود. ما کسانی را داشتیم که همزمان از دومنبع معاش دریافت می‌کردند؛ یکی ازما و دیگری از بانک جهانی. این عاملی است که نتیجه‌ی آن یک سیستم فاسد است.

گل آقاي شیرزي



وال ستريت ژورنال، گل آقا شیرزی والی جلال آباد را متهم به رهایی هراس افغانان طالب در بدل پول و اختلاس ماهانه چهارمیلیون دالرازعوايد گمرکی شهرک بندری تورخم و در ضمن خویشاوندان و نزدیکان وی را نیز درآخادی ها و غصب زمین های دولتی و دارایی های عامه و دست داشتن در چور و

چیاول های املاک دولتی متهم نمود. این اتهام در حالی صورت می گیرد که سال گذشته شماری از اعضای شورای ولایتی و استادان پوهنتون ننگرهار، گل آغا شیرزی را به اعمال غیرقانونی و غصب زمین های دولتی و هم چنان به زنجارگی ومی خوارگی نیز متهم کرده بودند . حتا باری دریک رسوایی فساد اخلاقی درجرمنی سروصدهایی را درسطح رسانه های داخلی وخارجی بلند نمود که وی را متهم به اعمال ناشایست نمودند.

گل آغا شیرزی که نام اصلی اش شفیق است در سال ۱۹۵۶ در کندهار متولد گردید. او فرزند حاجی عبداللطیف است که تا صنف دوازده درس خوانده. پدرش دکان کوچک جای فروشی داشت . حاجی عبداللطیف در دوران جنگ ضد روسی از قومندان های مشهور کندهار بود که شیرزی نیز با او یکجا کار می کرد. بعد از کشته شدن پدرش به وسیله باند گلبدین، او تخلص شیرزی را به خود انتخاب کرد. گل آغا در زمان جنگهای داخلی قومندان محاذ ملی بود. پس از سقوط دولت نجیب از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۴ شیرزی بحیث والی کندهار ایفای وظیفه کرد. گفته می شود در وقت حاکمیت او کندهار به مرکز فساد، قاچاق، رشوت، دزدی و تجاوز مبدل شده بود . پس از ورود طالبان به کندهار شیرزی به کوئته پاکستان فرار کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۱ او به هدایت سی.آی.ای آمریکا بخاطر تسخیر کندهار با آی.ایس.آی پاکستان که از زمان جنگهای داخلی روابط خوب داشت، دوباره تماس گرفت. شیرزی که فرد بی بند و بار و جاه طلب بود به این خواست امریکا جواب مثبت داد و با جمع کردن تقریباً هزار نفر از کمپهای مهاجرین افغان از راه چمن وارد افغانستان شد که در مدت کم به کمک سلاح های پیشرفته پاکستانی توانست منطقه تخت پل کندهار را تصرف کند و راه کندهار و سپین بولدک را ببندد . او به محض داخل شدن به کندهار بار دیگر مقام قبلی خود را غصب کرد و برادرانش عبدالرازق و حاجی بچه، میدان هوایی کندهار را در کنترل خود گرفتند. آنان از این طریق مواد غذایی و لوژستیکی نیروهای خارجی را تامین و همچنان زمینه قاچاق مواد مخدر به کشورهای خارجی را مهیا میکردند . با به قدرت رسیدن گل آغا شیرزی کشت و قاچاق مواد مخدر در کندهار ۵۰ فیصد افزایش یافت حال آنکه در دوران حاکمیت طالبان به صفر رسیده بود. فساد و بدامنی به اوج خود رسید که حتی کوزی هم نمی توانست از آن چشم پوشی کند و همین امر باعث شد تا شیرزی را از ولایت کندهار برکنار و به کابل فراخواند . نادر نادری کمشنر سابق کمیسیون حقوق بشر در یک مصاحبه با خبرنگار امریکایی (lasrever) در ماه جون ۲۰۰۵ می گوید : زمانیکه شیرزی والی کندهار بود او هیچ اداره نداشت، نمی توانست که ولایت را کنترل کند. دزدی، زرع و قاچاق مواد مخدر، تجاوزهای جنسی بالای زنان و مردان و حتی اطفال به اوج خود رسیده بود . روزنامه کانادایی به نام «گلوبل میل» به تاریخ ۱۲ اپریل ۲۰۱۰ می نویسد : شیرزی بخاطر دریافت یک میلیون دالر در هفته از تجارت مواد مخدر، از سمتش که والی کندهار بود برکنار شد . یکی از شرکای نزدیک گل آغا حاجی بشیرنورزی بود. نورزی که قاچاقبر شناخته شده در سطح جهانی بود از افراد خاص «سیا» درافغانستان به شمار می رفت. اومت زیادی با سازمان استخباراتی امریکا همکار بود که بعدها بنابر سازشهای درونی سازمان، او را به بهانه ای به نیویارک خواست و در آنجا وی را دستگیر کرد . شیرزی مدت کوتاهی در وزارت شهرسازی و مسکن و بعد در وزارت فواید عامه که عاید زیاد داشت کارکرد و مدتی هم مشاور کوزی بود . بالاخره در سال ۲۰۰۴ به حیث والی ننگرهار مقرر شد. وی در ابتدا با چند کار ظاهرآبازسازی، خود را در بین مردم محبوب ساخت و کوزی نیز به او لقب «بلدوزر» داد. مردم ننگرهار که سالهای متمادی از وجود جنایتکارانی چون حاجی قدیر، دین محمد، حضرت علی، یاسینی وغیره به ستوه آمده بودند چشم امید به او بستند اما دیری نگذشت که این امیدها به سراب بدل شدند. «بلدوزر» تمامی قراردادهای ساختمانی را به شرکتهای خصوصی خود سپرد که از خورد و بردش صاحب میلیونها دالر شد. وی که فرد عیاش و منفور است تمام وقتش درخوشگذرانی می گذرد. با وجود داشتن ۳ زن و ۱۸ طفل، رقاصه ها را از پاکستان دعوت می کند و محافل عیاشی برپا می دارد . او چندی قبل در یک سفر از دوبی به کابل عاشق یک کارمند هواپیما می شود. از این عشق مافیایی دیری نمی گذرد که «بلدوزر» با این دختر ازدواج می کند و او را به کلکسیون زنان حرامسرایش می افزاید. بعد از گذشت مدت کوتاه این خانم به بهانه دیدن خویشاوندان خویش به آلمان می رود و از شیرزی تقاضای ۴۰۰ هزار دالر بخاطر خرید اپارتمان می کند و در همانجا پناهنده می شود . در ابتدا مقامات بلند پایه امریکا نیز او را بخاطر بازسازی و امنیت ولایت می ستودند ولی با گذشت چند سال آنان می گویند که ننگرهار به مرکز فساد مبدل گشته و والی زمینه بازگشت طالبان را مساعد ساخته است . وال ستریت ژورنال به تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۱۲ یک ارزیابی انجام شده از سوی مقامات امریکایی را چنین گزارش کرد که «بلدوزر» در شاهره تورخم جلال آباد یک صندوق ساخته به نام «صندوق شیرزی» و از موترهایی که از این مسیر عبور و مرور می کنند پول می گیرد. بنابر این سند شیرزی ماهانه از یکونیم میلیون الی چهار میلیون دالر دریافت می کند.

موتزرانان می‌گویند که ما مکلف به پرداخت پول در «صندوق شیرزی» هستیم در غیر آن به ما اجازه نمی‌دهند تا موتر خود را حرکت دهیم .

در گزارش یاد شده از جعفر اتمانزی دریاور موتر پاربری نقل شده است :

من متواتر در هر پیره (نوبت) ۵۰۰ افغانی به صندوق شیرزی می‌پردازم، آنان می‌گویند این پول بخاطر بازسازی است ولی خدا می‌داند که پول به کجا می‌رود . این سند می‌افزاید زمانیکه شیرزی به آلمان سفر داشت از طرف پولیس میدان هوایی آلمان به مدت دو ساعت بخاطر انتقال بکسهای پر از پول بازداشت شده بود ولی بنابر داشتن پاسپورت دیپلوماتیک رها میشود و پول را با خود می‌برد . سند می‌افزاید که والی ننگرهار در بدل پول، شورشیان طالب را نیز رها می‌کند . مافیای شیرزی در تمامی دم و دستگاه ولایت ننگرهار ریشه دوانده، هیچ اداره‌ای نیست که گل آغا در آنجا شریک نباشد. گفته می‌شود در راس هر اداره افرادی که مقرر می‌شوند عواید را باید با شیرزی تقسیم کنند .

احسان الله کامه وال برادر شریف کامه وال عضو ولسی جرگه رییس گمرک ننگرهار است که از عواید بدست آمده با شیرزی شریک است. چندی قبل عزیزالله لودین رییس مبارزه با فساد اداری اعلام کرد که از گمرک ننگرهار ۸۳۲ میلیون افغانی مفقود شده ولی اگر کمی واضح بگویم این پولی است که در بین رییس گمرک و شیرزی تقسیم شده است . منبع دیگری که شیرزی از آن عاید سرشار بدست می‌آورد ریاست برق ننگرهار است که در راس آن شخص فاسدی به نام گل مراد قرار دارد که سالهای قبل در شهر جلال آباد کیله فروشی داشت. او برق دولتی را که کیلوات یکنویم الی دو افغانی است به نام برق جنراتوری به قیمت ۶۰ افغانی بالای مردم می‌فروشد که به نام برق گل مراد یاد می‌شود و اکثریت مردم فقیر در گرمای طاقت فرسایدون برق زندگی می‌کنند .

حاجی فاروق تیکه دار از چوکره های دیگر شیرزی است که هده های موتر و مارکیت‌های بزرگ را به قیمت ناچیز به اجاره می‌گیرد و در دواطلبی هم فرد دیگری نمی‌تواند برنده شود چون از حمایت شیرزی برخوردار است. تمامی عرفه‌های یخ فروشی و میوه فروشی شهر مربوط فاروق و گل مراد است که به مردم به کرایه می‌دهند .

حضرت علی وگل کریم در غصب زمینها دست بالای دارند. آنان زمینهای مردم را به قیمت ارزان می‌خرند و به قیمت بالا دوباره به فروش می‌رسانند که شاروالی نیز در آن دخیل است .

یکی از افراد خاص شیرزی در غصب زمینها ملخی است. او فرد لومپن و چاقوکش مشهور است که زمینهای مردم را به زور غصب کرده در آن شهرک می‌سازد. در دشت قاسم آباد (دامان) که مربوط فامیل اسحاق زی، اخگر و چراگاه عربها بود، ملخی آن را غصب کرد که صاحبانش عریضه به دست در ادارات دولتی سرگردان می‌گردند اما کسی به ندای شان گوش نمی‌دهد . شهرک غازی امان الله خان که در ۱۵ کیلومتری شهر جلال آباد قرار دارد نمونه دیگری از چپاول شیرزی است. گل آغا آنرا به اساس فرمان کرزی بالای نجیب زراب هر نمره به قیمت ۵۰۰۰ افغانی فروخت و حال هر نمره آنرا (۱۰۰۰۰۰۰) ده لک افغانی به فروش میرساند .

باز محمد شیرزاد رییس صحت عامه ننگرهار نیز از شرکای فساد «بلدوزر» است . این شخص با ساختن شفاخانه های شخصی و وارد کردن ادویه بی کیفیت پول گزافی بدست می‌آورد .

سارنوال حاجی قیوم رییس سارنوالی بخاطر فسادش چندین مرتبه برکنار شد ولی به زور والی دوباره مقرر شد. او به گفته شیرزی زندانیان طالب را در بدل پول رها می‌کند.

الله داد رییس معارف ولایت ننگرهار مربوط حزب اسلامی افغانستان که از تقرر هر معلم در مکاتب مختلف از ۱۰۰۰۰ افغانی الی ۵۰۰۰۰ افغانی رشوه می‌گیرد، بخش اعظم آن را به شیرزی می‌پردازد .

در دولت مافیایی افغانستان کسانی که بیشترین فساد را دارند، بلندترین مقام را می‌گیرند. شیرزی چون از مهره های مهم امریکاست کسی قادر نیست وی را از مقامش برکنار کند. بی‌مورد نبود که وقتی او با ما اولین بار به افغانستان سفر کرد، فوری به دیدار این چاکرش شتافت. یک مقام بلند پایه افغان می‌گوید که تمامی والی ها را می‌توانیم برکنار کنیم جز شیرزی چون با برکناری وی بی‌ثباتی به میان می‌آید .

در همین حال یک مقام قوای ائتلاف به وال ستریت ژورنال «به تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۱۲ می‌گوید : ما میدانیم که او فاسد است. اماما از خود سوال می‌کنیم که آیا او از خط قرمزی که برای ما معیار است عبور کرده؟ به نظر ما تا به حال او این خط را عبور نکرده . شیرزی و امثالش که دمش در دست خارجیان است تا زمانیکه سیاستهای آنان را خوب عملی کنند ولو در هزار گند و مرداری غرق باشند در قدرت می‌مانند ولی هرگاه وجود شان خطری برای آنان و یا در اثر ناآگاهی از فرمان شان سرپیچی کنند، در یک ساعت نیست و نابود می‌گردند .

گل آقا شیرزی از زمره قدرتمندترین افراد دولت محسوب شده و نزدیکترین فرد به نیروهای آمریکایی نیز می‌باشد. خوش خدمتی گل آقا شیرزی در مقاطع مختلف به آمریکایی ها نشان داده است که این فرد از جمله افراد نادری است که از قدرت و نفوذ خود در منطقه به نفع فقط آمریکا استفاده می‌کند. گل آقا شیرزی نقش اساسی را در کنفرانس بن و تشکیل دولت انتقالی، لویه جرگه و حتی عزل و نصب افراد بر عهده داشته است. از طرف دیگر وی افراد مختلف و بی بندوبار را از گوشه

جمع آوری و در قندهار و جلالت آباد تحت نفوذ خود گرفته در مواقع لزوم از آنها استفاده می کند. شیرزی در تضعیف احزاب و قدرت های مسلح متفرق، گام های در روند حاکمیت کرزی بر عهده داشته است.

گل آقا شیرزی در گذشته بارها اسماعیل خان والی قبلی هرات را به همکاری با نیروهای ایرانی متهم کرده است. حتی در مواقعی این اتهام از نوع همکاریهای تسلیحاتی و اطلاعاتی بر علیه دولت بحساب آمده فشارهای مختلف و متفاوتی بر والی قبلی هرات از این ناحیه وارد آمده است.

گل آقا شیرزی شاید تنها فردی باشد که بعد از نماینده ویژه آمریکا ایران رابه کرات، متهم به دخالت مستقیم در امور داخلی افغانستان کرده است. همین فرد با همین افکار بدون هیچ مقدمه ای یکباره از ایران سر در آورده پشت درهای بسته به معامله با ایران نشست این معاملات هر چند به ظاهر در راستای فعال کردن بازارهای مرزی زابل ایران با نیمروز بود اما حکایت از یک تباری پشت پرده بر علیه اسماعیل خان داشت. این تباری همچون گذشته هیچ منافعی دایمی و درازمدت را برای ایران به ارمغان نخواهد آورد بل باعث از دست رفتن برخی نقاط قوت ایران به عنوان همسایه های دارای مرزی طولانی با افغانستان در درازمدت خواهد شد. این واقعیت را نمی توان از نظر دور داشت که فردی با اندیشه قوی حمایت از آمریکا یکباره به جمله دشمنان آمریکا در منطقه پیوسته منافع آنها را بر حضور قدرتمند آمریکا ترجیح دهد. در این میان سیاستمداران ناپخته ایرانی فکر می کنند توانسته اند یکی از دشمنان قسم خورده خود را در منطقه را به یک دوست دایمی مبدل ساخته از وی به عنوان حافظ منافع خود در افغانستان استفاده کنند، که هدایت کالاهای ترانزیتی تجار افغانستان از سمت مرز و غارون در زابل توسط دولت ایران، نشانه روشن این ساده اندیشی است.

زیرا بعد از آنکه گل آقا شیرزی نتوانست در قسمت ورود اجناس به افغانستان از میزان حسابهای گمرکی هرات برای دریافت مالیات گمرکی در قندهار بکاهد، از ایران به عنوان وسیله ای ساده و راحت برای رسیدن به مقصود سود جسته اجناس ترانزیتی را به سمت مرز زابل هدایت کرد. تا بدین وسیله هم اسماعیل خان را از لحاظ درآمد گمرکی تضعیف سازد و هم به دیگران بگوید که چگونه و به چه راحتی میانه اسماعیل خان با ایران را ضعیف ساخته نگاه سیاستمداران ایرانی را به سمت خود معطوف کرده است.

گل آقا شیرزی، کسی که به گفته ی خودش کرزی به او بولد ز خطاب می کند، یکی از بزرگترین قاچاقچیان مواد مخدر دنیا است که علاوه بر آن در همراهی با سایر عوامل بنیاد گرا در جنوب و شرق افغانستان در سرکوب روشنفکران و آزادی بیان نقش اساسی داشته است و دارد. طبق گزارش یک روزنامه کانادایی، شیرزی زمانی که والی قندهار بود، هفته ای یک میلیون دالر آمریکایی از راه قاچاق مواد مخدر و دزدی از عواید گمرکی نصیب می شود. گل آقا شیرزی، پس از بدست گرفتن ولایت ننگرهار، مانند دوران ولایت قندهار، همچنان در قاچاق مواد مخدر و دزدی از عواید گمرکی دست دارد. دولت چند ساله حامد کرزی، دولت سرشار از فایده برای جنایتکاران، قاچاقچیان مواد مخدر و چپاولگران دارایی های همگانی بوده و هست. حامد کرزی بارها با انجام تحقیقات درباره رفتار غیرقانونی گروه نزدیک خود مانند شیرزی مخالف کرده و مانع شده است.

روزنامه وال ستریت ژورنال گزارش داده است که گل آقا شیرزی والی ننگرهار در شرق افغانستان در سفری که در آلمان داشت در میدان هوایی این کشور، به دلیل حمل یک بکس پول مورد بازرسی ماموران پولیس قرار گرفته است. ماموران پولیس به این دلیل که شیرزی پاسپورت دیپلمات داشته، توانسته است با این مقدار پول وارد آلمان شود. هنوز معلوم نیست که در بکس شیرزی چی مقدار پول بوده اما روزنامه وال ستریت ژورنال خبر داده است که والی ننگرهار بیشتر این پول ها را از قاچاق مواد مخدر، غضب زمین، اخاذی ها و امور گمرکی بدست می آورد. این روزنامه مدعی شده که در مورد تجارت غیر قانونی گل آقا شیرزی سند دارد و به نظرمی رسد که این سند از سوی یک مقام بلند رتبه ملکی ایالات متحده آمریکا تهیه شده است.

فساد گسترده در افغانستان از نگرانی های عمده جامعه جهانی است، و این پدیده پس از ناامنی، بزرگترین چالش برای افغانستان خوانده شده است. مقامات آمریکایی این موضوع را تایید کردند که فساد اداری در ولایت ننگرهار از مشکلات عمده این ولایت است. ولیم سپیگس یک سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، به روزنامه وال ستریت ژورنال گفته است که این وزارت ادعای فساد اداری را جدی می پندارد. در گزارش گفته شده که ولایت ننگرهار به یکی از مراکز فساد اداری در افغانستان تبدیل شده است و مقام های محلی این ولایت میلیون ها دالر از فساد اداری موجود در این ولایت بدست می آورند.

وحیدالله شهبانی



وحید الله شهرانی تابعیت کشور انگلستان را دارا بوده و هرگز نخواست و نمی خواهد که تابعیت دوم خویش را از دست دهد. همچنان شهرانی همین اکنون در ارگانهای حراست از قانون به اتهام اختلاس و وارد درین خساره به دولت تحت تعقیب عدلی قرار دارد والی روشن شدن دوسیه نسبی اش حق ندارد بحیث وزیر ایفای وظیفه نماید. زیرا حکم محکمه میتناذ وی را به حرمان از حقوق مدنی اش محکوم نماید. موضوع دیگر اینکه قانون اجتماعی و حق شهروندی اینرا حکم نمیکند که با اتلاف حق هزاران متخصص دوفتر از یک فامیل عضویت کابینه را حاصل نمایند.

برای اینکه مردم را در روشنی یک حقیقت تلخ در رابطه به اتهام وارده علیه وحیدالله شهرانی متوجه ساخته باشیم به استناد اسناد مدلل، مستند و موثق، عدم تجربه کاری منفعت جویی، اختلاس و خساره رساندن به دولت را در زمان تصدی پست معینت مالی وزارت مالیه تذکر میدهیم. قرارنظارتی کمیته موظف تحقیق و بررسی لوی خاارنوالی که توام نامه شماره 512/929 مورخ 1386/05/01 اصدار یافته است در ضمن تشریح رویداد قضیه که از سوی مسئولین و ادارات مختلف استفسار به عمل آمده است نتیجه یک بررسی مسلکی و همه جانبه موظفین حراست از قانون را برملا میسازد که نتیجه گیری و نظریه خویشرا چنین نگاشته اند.

وزارت محترم انکشاف شهری به منظور تسخین مرکز گرمی مکروریانها به اساس مصوبه شماره 23 مورخ 1385/07/17 شورای محترم وزیران به وزارت مالیه هدایت میدهد تا مبلغ یک میلیون دالر را به منظور خریداری تیل مورد ضرورت به دسترس وزارت انکشاف شهری قراردهد تا از طریق وزارت محترم اقتصاد معادل مبلغ یک میلیون دالرخیداری گردد. که موضوع را تحت داوطلبی قرارمیدهند، درمجلس داوطلبی نماینده گان ریاست تصدی مواد نفتی و گاز مایع، وزارت های محترم مالیه، اقتصاد و انکشاف شهری اشتراک داشتند که قیمت تیل نوع پیچنوی از قرار فی تن چنین ارانه شده است:

ریاست تصدی مواد نفتی وگازمایع فی تن مبلغ 535 دالر امریکائی
شرکت عبدالله ندا فی تن مبلغ 635 دالرامریکائی
شرکت حمید مسلم فی تن مبلغ 630 دالرامریکائی
شرکت زاهد ولید فی تن مبلغ 855 دالرامریکائی
شرکت غضنفر فی تن مبلغ 800 دالرامریکائی

که نازلترین قیمت ازریاست تصدی مواد نفتی و گاز مایع بوده ولی هیئت مجلس داوطلبی و ارزیابی بدون در نظر داشت سوابق و اعتبار تصدی دولتی که به تمام وزارت خانه ها، ادارت دولتی و حتی تاجران مسنولیت عرضه خدمات مواد نفتی رابدوش دارد. در حالیکه وزارت اقتصاد ذریعه مکتوب رسمی تقاضا نموده تا قرار داد با ریاست تصدی مواد نفتی و گاز مایع عقد گردد، که کاپی آن به وزارت مالیه نیزاخبار گردیده بود ولی محترم وحید الله شهرانی به جواب مکتوب وزارت اقتصاد رسماً هدایت داده است که قرار داد با شرکت حمید مسلم عقد گردد. که چنین اجراءات هیئت داوطلبی و ارزیابی و هدایت محترم شهرانی معین مالی وزارت مالیه ازیکطرف ریاست تصدی مواد نفتی را از مفاد باز مانده و از جانب دیگر در فی تن تیل پیچوی مبلغ نودوپنج دالر و درمجموع 1583 تن به مبلغ 385، 150 دالرامریکائی وزارت انکشاف شهری را متضرر و خساره مند ساخته اند. که اسامیان هریک:

بهاوالدین بهبودی، وفی الله عبادی نماینده وزارت اقتصاد، حمیدالله زاهد نماینده وزارت مالیه، محمد ابراهیم رئیس انسجام، اسدالله بارکزی معاون اداری تدویر و مراقبت مکروریانها و وحید الله شهرانی معین وزارت مالیه طبق ماده 270 و 273 قانون جزا هر کدام قابل تحقیق و تعقیب عدلی پنداشته میشوند.

بنا اوراق قضیه با یک نقل قرار بعد از تائید مقامات ذیصلاح بریاست محترم تحقیق جرایم ارسال گردد. ریاست تحقیق جرایم لوی خاارنوالی ذریعه مکتوب شماره 592/827 مورخ 1387/07/14 موضوع را بعد از انجام تحقیقات و بررسی همه جانبه چهارورق اتهام نامه ترتیب نموده و بعد از تائید غرض تعقیب عدلی به مراجع عدلی و قضائی ارسال نموده است. قابل تذکر است که که توريد تیل پیچنوی بجزازتصدی مواد نفتی وگاز مایع که بعد از تثبیت مورد مشخص استعمال آن جوازداشته اشخاص حقیقی و حکمی نمیتوانند به توريد آن مبادرت ورزند، اما وحیدالله شهرانی بامداخله مستقیم خلاف قانون تدارکات عمل نموده و زمینه را برای شرکت حمید مسلم که از جمله اقارب وی بوده بمنظور منفعت جونی

شخصی، دولتی را متضرر ساخته که جدا مورد مواخذه قانونی و تعقیب عدلی میباشد. از دیدگاه مردم چنین افراد بی تجربه کارانی لازم ندارند نباید به پست پر مسولیت وزات گماشته شوند.

عمر زاخیلوال

بیشکت که با زدن
صدها میلیون دالر ثابت
کدی که همکار صدیق مه
هستی. بالاتر از وزارت
مقامی ندارم که برت بتم،
بگیر اینه بالاترین مدال
دولتی ره برت میتم و آرزو
میکنم که ای دستاورد
هایت ادامه داشته باشن!



در ۳ اگست ۲۰۱۲، تلویزیون طلوع گزارش ویژه‌ای از دارایی‌های غیرقانونی عمر زاخیلوال، وزیر مالیه، را به نشر رساند. در گزارش آمده که طی ۵ سال یک و نیم میلیون دالر امریکایی به حساب زاخیلوال از منبع نامعلوم واریز شده‌است. در ضمن گزارش‌هایی نیز از دست‌داشتن او در اختلاس‌های کلان پول در گمرک‌های کشور به نشر رسید. در پی این افشاگری‌ها، زاخیلوال با تبلیغات در رسانه‌های اجتماعی کوشید خودش را پاک جلوه دهد و خود را خدمت‌گزارترین شخص وانمود کند. او این گزارش را مغرضانه گفت و افزود که تنها ۲۰۰ هزار دالر امریکایی را از «شرکت صافی لاندمارک» جهت کارزار انتخاباتی کرزی دریافت نموده‌است. با تشدید فشار رسانه‌ها وی نزد دیپلمات‌های خارجی رفته گریست، قضیه همانجا خاتمه یافت و این فاسد تا کنون بر خزانه ملت تکیه زده‌است.

فهرست زیر تشکیلات گمرک‌های وزارت مالیه است و نشان می‌دهد که وزیر مالیه‌ی خود را یک انسان روشن‌فکر و متعهد به ارزش‌های ملی می‌داند و همواره از شایسته‌سالاری و مدیریت کارآ و فعال سخن می‌گوید، خود وی چقدر در دام و دایره‌ی تنگ اندیشه متصلب و خشک قوم پرستی و سمت‌گرایی گیر مانده و یک وزارت که هراتباع کشور حق دارد نظر به شایستگی و تخصص در آن کار کند، از قوم خود پر کرده است.

- ۱- سید مبین شاه معین عواید گمرک‌ها از ننگرها
- ۲- بسم الله کامه وی رییس عمومی گمرک‌ها از ننگرها
- ۳- عمر مهمند رئیس پلان‌گذاری گمرک‌ها از ننگرها
- ۴- گل‌پاچا رییس تکنیکی ریاست عمومی گمرک‌ها از ننگرها تحصیلات در بخش زراعت 1. سید مبین شاه معین عواید گمرک‌ها از ننگرها

آمریت‌ها:

- ۱- آمریت تخلفات گمرکی: امان / از تخار
 - ۲- آمریت لابراتوارها: ستار سرحال / از جلال آباد
 - ۳- آمریت هماهنگی: عمران / جلال آباد
 - ۴- آمریت تعرفه و قیمت‌گذاری سرور صدیقی / از پشتون‌های خان‌آباد
 - ۵- آمریت مراقبت سیار: عزیز از غزنی
 - ۶- آمریت اداری و پلان‌گذاری: واکمن / از جلال آباد
 - ۷- آمریت کارکنان: خیرمحمد از جلال آباد
 - ۸- آمریت معافی: ثناالله از جلال‌آباد
 - ۹- آمریت ترانزیت داخلی و خارجی محبوب: از بدخشان
 - ۱۰- مدیریت جوازدهی: رحیم / از جلال آباد
 - ۱۱- مدیریت قیمت‌گذاری: بریالی / از جلال آباد
- مسولین گمرک‌های ولایت‌ها:
- ۱- صفی الله رییس گمرک ولایت کابل از پشتون‌های کابل
 - ۲- حاجی عزیز رییس گمرک ولایت بلخ / از ولایت غزنی

- ۳- احسان الله كامه وال رييس گمرک هرات از ننگرها
 - ۴- خلیق الله رييس گمرک ولايت ننگرهار از ننگرهار
 - ۵- الهام الدين مظهر رييس گمرک ولايت نیمروز از ننگرهار
 - ۶- مزمل رييس گمرک قندهار (جبرا از بلخ به قندهار تبدیل گردیده است)
 - ۷- رييس گمرک های پکتیا، پکتیکا و خوست از افراد خود همین ولايت ها می باشند
 - ۸- شفی الله رييس گمرک حیرتان سکونت اصلي ولايت ننگرهار
 - ۹- مدير ترانسپورت بندر حیرتان سکونت اصلي ولايت ننگرهار.
 - ۱۰- حبيب الله رييس گمرک اندخوي سکونت اصلي ولايت بلخ .
 - ۱۱- فضل الله فاضل مدير گمرک بندر شیر خان از ولايت وردک .
 - ۱۲- شمس الرحمن رييس گمرک اسلام قلعه.
- این بخشی کوچکی از تشکیلات وزارت مالیه است که نودونودصد آن از یک ولايت وازیک قوم تعیین و تنها یک درصد از ولايت های که در بالا نام برده شد تعیین گردیده است، به همین ترتیب بخش های دیگری این وزارت شاید از چنین وضعیتی برخوردار باشد؛ هنوز در مورد بخش های دیگر تحقیق جریان دارد.

انور الحق احدی



دراواخر ماه جدی ۱۳۹۱ دوازده تن از کارمندان وزارت تجارت و صنایع به شمول یکی از معینان این وزارت، نامه سرگشاده ی عنوانی حامد کرزی انتشار دادند که در آن از «استبداد و خود کامگی لجام گسیخته» در این وزارت سخن گفته شده است. این نامه که اسناد فراوان را نیز ضمیمه داشت، از موارد وحشتناک فساد و دزدی و دغلیکاری در این وزارت پرده برداشته شده است. درین نامه احدی متهم شده که در تمامی چپاولگری ها دست داشته است .

درین نامه یاد شده از فساد مالی در قرارداد های مواد نفتی با قزاقستان، ایران و روسیه اسنادی ارائه شده و گفته می شود که ارقام قرارداد ها بعد از تحریف و تغییر به شورای وزیران ارسال شده و در این جریان میلیونها دالر به جیب وزیران افراد مورد اعتمادی که در اطرافش جابجا نموده ریخته است. این کارمندان مدعی اند که در اثر ساخت و پاخت وزیران تصدی مواد نفتی (فرید شیرزی) با «کمپنی مشهور با الفساد بنام سروری گروپ»، گازمایع بسیار بالاتر از قیمت بازار جهان خریداری شده و هفت میلیون دالر از بودجه دولت به این شرکت انتقال یافته اما فقط بخش کوچکی از این مواد انتقال داده شده و بس .

در کشور هایی که حداقل اصول دموکراتیک حاکمیت داشته باشد، وقتی اینچنین اتهامات شدید بر یک مقام دولتی زده شد، قبل از همه وزیر خود استعفایش را پیش می کند تا زمینه بررسی بیطرفانه قضیه میسر گردد. اما وزیران فاسد افغانستان که هر کدام خود را در کرسی چسبانده اند، با پیشروی تمام به کار شان ادامه می دهند .

فاجعه اینجاست که در افغانستان ، عناصر فاسد، قومباز و بیکاره حتی خود را به ریاست جمهوری کاندید می کنند . چند سال قبل هم نامه ای از جانب زرنگ ن. گ که خود را کارمند وزارت تجارت نامیده در سایتهای اینترنتی انتشار یافت، که در آن گفته شده احدی به تمامی نزدیکان خود در وزارت دستور داده است تا تلاش نمایند از ناکامی های این وزارت خبری به بیرون درز نکنند. این در حالی بود که بیکارگی وزارت در حل مشکلات ترانزیتی با ایران و پاکستان به سرخط اخبار میدل شده بود .

ضمنا در گزارش سال ۱۳۸۴ ریاست مستقل مبارزه با فساد و ارتشای اداری سندی وجود دارد که از حیف و میل ۱۴۴ هزار دالر امریکایی توسط احدی ذکر رفته، چیزی که تا امروز نهاد های عدلی افغانستان در برابر آن چشم بستند .

من متن کامل نامه سرگشاده کارمندان وزارت تجارت و صنایع را ذیلا نقل می‌کنم و آروز می‌کنم که آنان تا آخر برای محاکمه احدی و دیگر حکام فاسد این وزارت تلاش نمایند و اجازه ندهند که پول ملت توسط یک مشت غارتگر ضدملی به جیب زده شود.

در وزارت تجارت و صنایع استبداد و خود کامگی لجام گسیخته بیداد مینماید. آیا کسی میدانند که قرارداد های عقد شده خریداری مواد نفتی از کشور قزاقستان، کشور روسیه و کشور ایران میان وزارت تجارت و صنایع و کشورهای فوق الذکر عملا صورت پذیرفته دربرگیرنده کدام فساد عظیم غیرقابل تصور بوده، و در آن عملیه چه جفا و ناروای به حق ملت مظلوم و مردم بلاکشیده پر درد و رنج خفته است.

قرارداد مقدار سه صد هزار تن مواد نفتی با جمهوری اسلامی ایران و تعداد (۱۴۰) هزار تن تیل با کشور قزاقستان که فی تن منفی (۶۰) از نرخ روز بین المللی و مقدار پنج هزار تن تیل با کشور روسیه که منفی (۶) فی تن بوده که بین وزارت تجارت و صنایع و کشورهای متذکره عملا صورت گرفته ولی به عوض اینکه یک کمیت قابل ملاحظه را جهت تامین رقابت با بازار و حفظ ثبات قیم و غرض حمایت از مستهلکین و ذخایر تصدی مواد نفتی تأخیر میگردید، برعکس از مجموع کمیت های مواد نفتی منعقد را بدون اینکه پیش شرط و یا میکانیزم مشخص که تاجران توريد کننده مواد نفتی در امر نحوه فروش، عرضه و قیمت تمام شد با اندکی مفاد شان تعهد کتبی حاصل شده باشد، زمینه فروش با دست باز آن هم به شکل بی رحمانه و سخت ظالمان توسط همین شرکت ها به بازار وارد گردیده و هم اکنون نیز ادامه دارد که در آن تفاوت قابل ملاحظه که در اصل قیمت نرخ روز جهانی منفی قرارداد گردید تمام آن به جیب شخص وزیر تجارت افتاده. قابل تذکر است که مقدار سه صد هزار تن تیل که از جانب شخص وزیر صاحب با جانب ایران عقد گردید است، از دو جهت قابل دقت و تامل است.

گزارش را که وزارت تجارت در مورد قیمت خرید تیل متذکره به مجلس شورای محترم وزیران ارایه و تصویب آنرا کسب نموده، درحقیقت امر قیمت ارایه شده به شورای محترم وزیران با اصل حقیقت کمپنی قیمت ارایه نموده است، به مراتب بالاتر و غیر قابل مقایسه بوده در زمینه واضحا از جانب وزارت تجارت شورای محترم وزیران اغوا گردیده و در تفاوت قیمت ارایه شده، با اصل قیمت مشهود است.

تیل متذکره که به قیمت نازل از نرخ روز کشور ایران خریداری گردیده علت اساسی آن نازل بودن کیفیت مواد نفتی تا حدی گفته میشود. تیل که بعد از بیکار گرفتن در دستگاه انرژی اتمی که کاملا فاسد دارای تشعشعات نیز بوده است. که بکار گیری آن نه تنها در سرعت بخشیدن استهلاک و وسایط بلکه مستقیما بالای محیط زیست اثر منفی گذاشته بر حیات صحتی مردم ما اثر مدهش دارد. سوال اساسی اینست که دولت و یا وزارت تجارت و صنایع چه مکلفیت دارد مواد نفتی مورد ضرورت کشور را خود عقد قرارداد نماید. و زمینه انتقال و فروشات آن مطلقا بدسترس سکتور خصوصی عرصه توريد کننده گان مواد نفتی بگذارد. این در حالیست که مجموع صد در صد مواد نفتی تاجران به بازار عرضه میدارند و دولت سه سال گذشته نیم فیصد سهم خویش را در عرصه توريد و توزیع مواد نفتی را به عهده نگرفته چه انگیزه باعث گردید که وزارت تجارت و صنایع قرارداد های مواد نفتی را با کشور های متذکره به امضاء رسانیده و خود مسئولیت توريد، انتقال و فروش آنرا به عهده نمیگیرد. بطور مخفی و سری و دور از انظار نظام عامه طبق میل و اراده اش به کمپنی های طرف معامله خویش سهم بندی نموده، مواد نفتی قرارداد شده را واگذار مینماید. و تاجران هم بدون کوچک ترین احساس مسئولیت و یا حداقل تعهد طبق میل آزمندان تیل متذکره را قیمت گذاری نموده با تمام بی رحمی در بازار عرضه میدارند. معلوم است که زیر همین کاسه نیم کاسه ای است. که حجم فساد برخاسته شده از این معامله به حساب آمار و ارقام به مراتب بالاتر از حد تصور است. به گونه ای مشت نمونه خروار اسناد ضم است. با استفاده از این نمونه میتوانید اسناد سایر قرارداد ها را دریابید.

طی سال جاری به تعداد بالاتر از شصت تن از کارمندان و کارکنان بطور بالمقطع به معاش اکثرا بالاتر از ماهانه مبلغ ده هزار افغانی استخدام گردیده اند این در حالیست تشکیل منظور شده به اساس نیاز سنجی منابع بشری با در نظر داشت کمی و کیفی کار وجود دارد البته از این جمله قراردادیان قسمت اعظم شان هواخواهان حواریون شخص وزیر را تشکیل میدهد. اسناد مکمل بطور نمونه ضم است.

در طی سال جاری به تعداد بالاتر از (۶۵) تن پرسونل که شامل کارمندان قراردادی میگردد به معاش ماهوار حد اکثر (۱۷۵) هزار افغانی و حداقل آن مبلغ (۱۵) هزار افغانی از بودجه ارتقای ظرفیت خارج از چهارچوب تشکیل منظور شده استخدام گردیده اند که اکثریت شان از جمله هواداران حزب مربوط به وزیر صاحب بوده اسناد ضم است. عموم خریداری های که از بودجه CBU یعنی ارتقای ظرفیت در طی سال جاری تدارک گردیده مغایر قانون تدارکات بصورت غیر قانونی بوده که حجم پولی آن را میلیون ها افغانی احتوا مینماید. و همچنان برای تعداد بیست نفر از کارمندان شامل پروسه رتب که در عین زمان از بودجه منظور شده عادی وزارت می بایست مانند سایر کارمندان وزارت از معاش نورمی و قانونی شان استفاده مینمودند به پاس خدمات وابستگی و علاقمندی های شخصی و سیاسی شان از طریق

همین بودجه CBU معاش دالری که غیر قابل مقایسه با معاش نورمی و قانونی بوده قیمت خوش خدمتی شان را میپردازد این خود بیان زنده از بی عدالتی اجتماعی و اقتصادی بوده و یک عملیه مشهور از فساد بوده میتواند. یادداشت کارمندان از چنین امتیازی مستفید میگردند ضمیمه است.

مقرری های که صورت گرفته بطور عمده در سطح پست های ۱-۲ اکثریت شان دارای اسناد جعلی تحصیلی بوده یک عده شان حتی اسناد عینی تحصیلات جعلی خود را هم عملا با اداره نه سپرده اند چنانچه یکی از نمونه های بارز و انکار ناپذیر آن تقرر آقای سلیمان بصیر در قدم نخست بحیث آتشه تجارتي افغانی مقیم دویی که جعلاً و تئویراً درحالیکه اسناد گواهی میدهد که موضوع حتی محروم صنف ۱۲ سال ۱۳۷۴ لیسه حبیبه بوده و اسناد جعلی کار تامينات اجتماعی وزارت محترم کار و امور اجتماعی را نیز در اثنای تقرر اولی اش حاضر نموده بود بعداً به منظور نصب و جایجای آقای مذکور در متن پیشنهاد که عنوانی مقام محترم عالی ریاست جمهوری موصوف دارای تحصیلات لیسانس رشته کمپیوتر ساینس و ماستر پوهنتون اکسفورد بطور کازبانه جازده میشود. چندی نگذشته بود که همان سلیمان بصیر به حیث معاون آتشه تجارتي ایالات متحده امریکا عنوانی مقام عالی ریاست جمهوری باز با کتمان حقیقت اسناد تحصیلی شان پیشنهاد و منظور اخذ میگردد. این در حالیست که از طریق مقام محترم لوی خاړنوالی رسماً مکتوبی به آدرس وزارت تجارت توصل و در آن نسبت جعلی و تئویری بودن اسناد تحصیلی آقای سلیمان بصیر وظیفه موصوف به حالت تعلیق درآورده شود. ولی وزارت تا دیر زمان به این مطالبه قانونی مقام محترم خاړنوالی چندان وقعی نگذاشته زمینه فرار موصوف را از دویی به واشنگتن مساعد ساخت. این یکی از نمونه های تقرر ولی نعمت های اش در پست های عالی وزارت تجارت. اگر در زمینه روشن شدن و دقیق ساختن اسناد تحصیلی رونسای که توسط جناب وزیر صاحب در پست و مقام های بلند در داخل و خارج از کشور برگزیده شده بررسی گردد تقرر سرپرستان که خلاف قانون توظيف گردیده اند تشت رسوایی از این قبل اجراءات شان بر ملا خواهد شد.

تعدیل درجه کارکنان قراردادی به پست کارمندان که در حیظه صلاحیت مقام وزارت نبوده غرض نصب هواخواهان اش خلاف قانون عمل نموده و اشخاص متعلق به طرز تفکرش را در پست (۳) که از صلاحیت شان بوده مقرر نموده از این گونه اجراءات موارد زیاد موجود اند که یک نمونه از این نوع اجراءات ضمناً تقدیم است.

در بخش سو استفاده از صلاحیت کاری جناب وزیر صاحب و هواداران اش ضمناً یک کاپی از اسنادیکه در آن در طول سال جاری به تعداد یکصد تن از کارمندان طی نامه های جداگانه غرض اجرای پاسپورت خدمت صرفاً به وزارت محترم امور خارجه معرفی گردیده اند که قسمت اعظم همین اشخاص بصورت زمینه اجرای پاسپورت خدمت را از طریق خویش مساعد ساخته اند ضمناً تقدیم است.

چندی قبل موسسه A. D. P. طی درخواستی خویش از مقام وزارت تجارت تقاضای عقد قرارداد مجموعه مواد نفتی مورد ضرورت دولت را رسانیده بندر حیرتان، بندر تورغندی به قیمت نازلتر از (۱۰۰) دالر امریکائی از نرخ جهانی را نموده بود به آن پاسخ منفی داده. در حالیکه عقد قرارداد توريد مواد نفتی با کمپنی متذکره با قیمت ارائه شده غیر قابل مقایسه بوده با قرارداد های که قبلاً توسط جناب وزیر صاحب تجارت صورت گرفته چون منفعت شخص وی به خطر می افتد آگاهانه نخواسته یک گام انسانی به سود مردم و مستهلکین مواد نفتی را بردارد. این خود مبین حقایق است. که دست اندرکار بودن وزیر تجارت با حلقه های مافیائی مواد نفتی بطور آشکار دستکار ناپذیر و بی تردید گواهی میدهد. وزیر تجارت و صنایع شخصاً به معه رئیس تصدی مواد نفتی قرارداد تعداد (۷۰۰۰) تن گاز را با کمپنی بدنام و مشهور با الفساد بنام سروری گروپ در حالی عقد نموده اند که قیمت فی تن گاز در کشور ترکمنستان مبلغ (۶۰۰) دالر با دست دوم در ولایت هرات فی تن مبلغ (۹۰۰) دالر امریکائی با کمپنی متذکره به امضاء رسانیده و مبلغ (۱۸۰) دالر از بندر تورغندی الی رسانیدن کابل توافق نموده مبلغ شش میلیون دالر را طور پیش پرداخت به کمپنی متذکره نقداً تادیه نموده صرف مقدار (۱۵۰۰) تن از جمله (۷۰۰۰) تن را تحویلگیری نموده که ظرف مدت یکسال نسبت نداشتن قابلیت رقابت با سکتور خصوصی توريد کننده گان مواد نفتی و گاز مایع هم اکنون قسمت اعظم از آن گاز مایع مواد نفتی بدون فروش باقیمانده. و از آن زمان تا کنون پول دولت نزد کمپنی سروری بحیث طلب باقیمانده و تحت دوران شخصی کمپنی متذکره قرار دارد. این در حالی است که در طول سال روان هم در ولایت هرات فی تن گاز مایع مبلغ (۵۸۰) دالر بطور معمولی خرید و فروش میگردد. قابل تذکر است وزیر تجارت در همراهی با رئیس تصدی مواد نفتی همواره در همچو مواد هشت ترکیبی خریداری نفت و گاز مایع از جنب یکنفر از لوی خاړنوالی و امنیت ملی را که هم نوا با ایشان بوده آمد با خود همراه داشته اند که ایشان نیز در همین خیانت شامل اند.

شرکت افغانکارت به منظور دوران سرمایه خویش آفر های مواد نفتی از منابع مختلف مطالبه نموده که کمپنی () به تعداد چهار قلم روغنیا را حسب ذیل آفر داده است.

تیل دیزل نوع (۹۲) را در سال (۳۰۰۰۰۰) پارتی دارد در هر ماه (۲۵۰۰۰) تن از قرار فی تن (۷۱۵) دالر رسانیده بندر حیرتان.

تیل طیاره در سال (۳۰۰۰۰۰) تن در سال پارتی وار ماهوار داد ماهوار هر تن (۲۵۰۰۰) تن از قرار فی تن (۱۱۱۵) دالر رسانیده بندر حیرتان .

تیل بطرول در سال (۳۰۰۰۰۰) تن در سال پارتی وار ماهوار قرارداد ماهوار هر تن (۲۵۰۰۰) تن از قرار فی تن (۸۱۰) دالر رسانیده بندر حیرتان .

گاز مایع (۳۰۰۰۰۰) تن در سال پارتی وار در هر ماه (۲۵۰۰۰) تن از قرار فی تن (۵۱۵) دالر رسانیده بندر حیرتان . بطور قرار داد LC متقبل گردیده که موضوع جهت کسب موافقت به مقام وزارت تجارت تقدیم و مقام وزارت تجارت و صنایع جریان موضوع را به جلسه هیئت رهبری محول نموده ولی در جلسه به امر فوق جدا مخالفت نموده زیرا منافع نامشروع را که در زدوبند با حلقه معانی ها داشته عملا نخواست به پیشنهاد متذکره توافق نماید این خود مبین آغشته بودن به فساد اداری و وزیر تجارت و صنایع بوده. اسناد ضما تقدیم است .

جناب وزیر صاحب تجارت به حدی در فساد اداری تا گلو غرق است که حتی برای یک دقیقه هم فرصت آنرا در نمی یابد که فرمان اخیر شماره (۴۵) رئیس جمهور که در واقعیت نخستین گام در اتخاذ تدابیر جلوگیری از فساد اداری و تامین حکومت داری عاری از فساد محسوت میگردد حداقل یک جلسه کاری را با هیئت رهبر وزارت تجارت و صنایع را در امر تحقق عملی آنرا سمت دهی نماید دانیر نه نموده. چه بسا که مسایل مربوط به فرمان متذکره را با سه تن معینات خویش با قبول مسئولیت در قبال فرمان شریک نه نموده. هویدا است چون شخص شان در عمق فساد اداری غرق است. حداقل جرنیت اخلاقی آنرا ندارد تا در مبارزه علیه فساد صحبت نماید.

گزارشات که در زمینه چگونگی تحقق فرمان متذکره به اداره امور شورای وزیران ارسال نموده از بنیاد دور از حقیقت بوده صرفا اغوای مقامات صالحه بیش نمی باشد . تقرر اتشه های تجارتی که حافظ و مصرف دقیق هویت و ارزش های افغانی در خارج از کشور بوده عموما بدون در نظر داشت سابقه یکروزه کاری در وزارت تجارت و صنایع و تجارب و کارایی شان، در بدل رشوت تقرر حاصل نموده اند. اکثریت شان در جریان، و یا ختم وظیفه با استفاده از پاسپورت سیاسی پناه گزین دیگر کشور های میگردد .

در تقرر کادرها پیشنهادات که از جانب ریاست منابع بشری به ریاست جمهوری ارایه میگردد اکثرا با کتمان حقایق به شکل تدویری که شامل سابقه کاری، تحصیل، تجارت و کاردانی که همچگونه واقعیت نداشته درج پیشنهاد گردیده مقامات صالحه را اغوا مینماید، بر علاوه پست هایی را که شخص مسنول در آن عملا موفقاته کار مینماید و بر حال وظیفه بوده با کتمان حقایق پست متذکره را کمبود وانمود کرده جفاکارانه به سرنوشت افراد متعهد به وطن، مجرب و کار فهم جفا نموده اند که بطور مثال مشیت نمونه خروار پیشنهاد تقرر رئیس سپین از قندوز آمر هتل سپین زر واقع شهر کابل را تذکر داد . از روزیکه میرویس احمدزی به صفت رئیس منابع بشری که از نزدیکترین شخص به وزیر میباشد تمام مقرریها به اساس روابط شخصی، قومی، لسانی، خویشاوندی و رشوت خوری صورت گرفته و اشخاص و افراد که به حزب افغان ملت تعلق داشته و با هم اقارب و نزدیکان خویش را نداشته و تمام ایشان غرق فساد اداری و اخلاقی میباشد که چند تن ایشان در وقت رشوت گرفتن از طرف ارگانه های امنیتی دستگیر ولی به اساس سپارش وزیر صاحب رها گردیده و دوباره با بسیار چشم سفیدی در شعبات مربوطه ایفای وظیفه مینمایند .

سفر های کاری که به کشور های خارجی صورت میگردد اشخاص و افراد از طرف وزیر غرض فحشا و ساعت تیری انتخاب میگرددند که هیچ نوع ارتباط کاری به مجالس مذکور نمیداشته باشد، حیثیت افغانستان را پایمال نموده و تمسخر آمیز در همچنین مجالس اشتراک مینمایند در حالیکه موافقه سفر شان از مقام عالی ریاست جمهوری گرفته نمیشود و کرایه و سفریه شان از مجرای غیر قانونی اجرا میگردد . طور مثال سفر اخیر یکتعداد کارمندان وزارت به کشور قزاقستان بوده که سه نفر دختر (وجیحه با رزاق بچه مامای وزیر، شهناز با حمید رحیمی سکرتر وزیر، نادیه جان با غازی خیل سرپرست ریاست مطبوعات وزیر و غیره) که نامبرده گان فحشا و بدکاری را در وزارت ترویج نموده و یک تن را بنام رئیس تشریفات (عبداللہ) معرفی و یک عراده تیز رفتار را بشکل غیر قانونی برایشان داده و نامبرده زنها ی کثیف و فاحشه را در اوقاع رسمی و غیررسمی به دهلیز مذکور آورده و دوباره به خانه های شان توسط همین موتر میرسانند. از این سبب یک تعداد زنها و دختران پاکدامن از رفتن به دهلیز مذکور خودداری نموده و وظیفه خویش را مجبورا ترک نموده است .

وزیر تجارت و صنایع مهمانی های حزبی و قومی خویش را غرض جلب و جذب اشخاص بانفوذ و وکلای پارلمان برای آمادگی انتخابات ریاست جمهوری در هتل سپین زر چندین بار برپا نموده و پول مصارف مهمانی را از دارائی هتل اجرا نموده است. این عمل غیر قانونی وزیر و گروپ شان از طرف کارمندان و آمر هتل تقبیح گردیده و وقتیکه آمر قبلی هتل که یک شخص متدین و تحصیل کرده و دارای سابقه طولانی کارمیباشد از چندین تقاضا و عملکرد غیرقانونی وزیر و گروپ شان انتقاد نموده به عوض اش یک کس که هیچ نوع ارتباط کاری به وزارت نداشته و دو برادر موصوف

فعلاً درین وزارت ایفای وظیفه مینمایند به اساس روابط قومی و خویشی با رئیس منابع بشری به صفت آمرهوتل سپین زر مقرر گردیده است و درپیشنهاد تقرر موصوف کتمان حقایق صورت گرفته است .

وزیرومعین مجرب شان (مزمل شنواری) به افراد واشخاص حزبی و قومی خویش ماهانه مقداری زیادی از پول های دولت به نامهای گوناگون از تصدیهای دولتی و شرکت ها اجرا نموده و مینماید و به کسانیکه در وزارت هیچ نوع رسمیات نداشته پول و پاسپورت خدمت اجرا نموده است .

بطورمثال به اساس پیشنهاد غیر قانونی رئیس منابع بشری برای مزمل شنواری بنام تحصیل دوره ماستری در انستیتوت امریکائی ربع و ارسد هاهزارافغانی ازدارائی وزارت تجارت اجرا گردیده و میگردد. جریان موضوعات جهت رسیدگی واقدام لازم به مقام محترم تقدیم است. یادداشت فوق بطور فشرده تهیه گردیده هر گاه مقام محترم لازم دانند سایرمسائل تخطی های گسترده ترینیز برملا خواهد شد .

ادامه دارد...